

## نقش مدیریت سود و هموار سازی سود در رفتار سیاسی مدیران

### مجید مرادی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه طباطبائی

عضو هیئت علمی گروه حسابداری موسسه آموزش عالی ناصر خسرو ساوه

Email: [WAW1511@yahoo.com](mailto:WAW1511@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۶ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۹

### خلاصه

امروزه مرز موجود بین گرایش‌های علمی برداشته شده و علوم مختلف به دلیل پیچیدگی و بار علمی زیاد در یکدیگر ادغام شده و یا مکمل هم گشته اند. حسابداری در قرن حاضر بر خلاف گذشته، دانشی توصیفی-تحلیلی است که معاملات و رویدادهای دارای اثر مالی بر واحدهای اقتصادی را توصیف و تحلیل می کند. در جهان امروز رد پای رفتار انسانی در تهیه و ارائه گزارش های مالی ثابت شده است. نمونه این رفتارها، رفتارهای سیاسی مدیران است. ریشه اصلی آن نیز تضاد منافع موجود بین مدیران و استفاده کنندگان برون سازمانی از اطلاعات مالی است که از تئوری نمایندگی سرچشمه می گیرد. تصمیمات گرفته شده توسط مدیران لزوماً با خواسته ها و آرزوهای سهامداران منطبق نیست. هر طرف برای این که عاقلانه رفتار کنند اقداماتی را انجام می دهد که برای خودش منتفع سودمند باشد، بی آنکه لزوماً نفع طرف دیگر را به حساب آورد. رفتار سیاسی در جایی که مدیران با مسائل مالی روبرو می شوند، بیشتر نمود پیدا می کند، مسئله اینجاست که محاسبه و مدیریت سود یک امر مجازی، ولی قدرت سیاسی و رفتار سیاسی یک واقعیت است. بنابراین می توان انتظار داشت رفتارهای سیاسی مدیران در اطلاعات مالی گزارش شده توسط آنها منعکس گردد. در این مقاله ابتدا نظریه های مربوط به مدیریت سود و هموار سازی سود را توضیح داده، سپس رفتار سیاسی مدیران و عوامل موثر بر آن را شرح داده و در نهایت با

ایجاد یک مدل ترکیبی عواملی که در مدیریت سود و رفتار سیاسی مدیران نقش دارند را ارائه می شود .

کلمات کلیدی: مدیریت سود ، هموار سازی سود ، رفتار سیاسی ، تضاد منافع ، تئوری نمایندگی

#### مقدمه

امروزه مرز موجود بین گرایش‌های علمی برداشته شده و علوم مختلف به دلیل پیچیدگی و بار علمی زیاد در یکدیگر ادغام شده و یا مکمل هم گشته اند. حسابداری در قرن حاضر بر خلاف گذشته، دانشی توصیفی-تحلیلی است که معاملات و رویدادهای دارای اثر مالی بر واحدهای اقتصادی را توصیف و تحلیل می کند. در جهان امروز رد پای رفتار انسانی در تهیه و ارائه گزارش های مالی ثابت شده است. نمونه این رفتارها، رفتار های سیاسی مدیران است. ریشه اصلی آن نیز تضاد منافع موجود بین مدیران و استفاده کنندگان برون سازمانی از اطلاعات مالی است که از تئوری نمایندگی سرچشمه میگیرد. بنابراین می توان انتظار داشت رفتارهای سیاسی مدیران در اطلاعات مالی گزارش شده توسط آنها منعکس گردد. نمونه ای از این اطلاعات شاخص ارزیابی عملکرد مالی شرکت ها است. علاوه بر شاخص های سنتی ارزیابی عملکرد، رفتارسیاسی ممکن است بر شاخص های مدرن ارزیابی عملکرد نیز تاثیر گذارد مانند شاخص جامع سنجش عملکرد که تحت عنوان کارت امتیازی متوازن (BSC) شناخته شده است. این شاخص اولین بار توسط نوترون و کاپلان مطرح گردید از ویژگی های شاخص، جامعیت آن است به طوری که معیارهای مالی و غیر مالی را توأما در ارزیابی مد نظر قرار می دهد. [14] سیاست از عناصر طبیعی تصمیمات راهبردی مدیران است. تصمیم گیری راهبردی به صورت درگیر شدن در منافع مادی تعریف می شود. این کار مدیران را به جانب‌داری از یکدیگر وادار و به سمت کنترل اطلاعات و تشکیل ائتلاف سوق می دهد. سیاست به یک فرآیند تصمیم گیری راهبردی ضعیف ختم می شود و این رفتار سیاسی در جایی که مدیران با مسائل مالی روبرو می شوند

، افزایش یابد. درگیری سازمان های تولیدی با رفتار های سیاسی مدیران ارشد مالی آنها می تواند بر گزارش های مالی ارائه شده از سوی آنها تاثیر گذارد. [15]

مدیران ارشدی که باید صورتهای مالی خود را با هدف ارائه اطلاعات تلخیص و طبقه بندی شده درباره وضعیت مالی عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری خود، بر اساس صداقت، در هر دوره مالی، جهت ارزیابی دقیق سازمان و به تبع آن، به همه استفاده کنندگان برون سازمانی از جمله ادارات مالیاتی ارائه دهند، از این دست باشند. این مساله در گزارش های مالی دریافت شده از سوی مدیران ارشد شرکتهای تحت بورس، به وفور یافت می شود. نمایش غیر واقعی، شاخص های مالی دلایل بسیاری دارد. برخی مدیران مالی به علت، خود نمایی نزد مدیران ارشد سازمانی، نبود اطلاعات کافی، کینه و عداوت با رؤسا و ویژگی های شخصیتی و رفتاری همچون سیاست، شخصیت چند وجهی و ... اقدام به انتشار اطلاعات غیر واقعی می نمایند. این عمل از سویی به لحاظ زمانی و مالی هزینه بر بوده و هم دیدگاهی کاذب را از فعالیت های سازمانهای بزرگ، در جامعه به نمایش می گذارد و از سوی دیگر، روند فعالیتهای خود شرکت نیز، تاثیر گذار است زیرا وجود ارقام ناصحیح و ادامه فعالیت بر اساس آنها سازمانها را به بیراهه کشانده و بعد از گذشت مدت مدیدی، روند نزولی یا صعودی کاذب سازمان، هویدا می گردد [5]. یکی از اهداف صورت های مالی انعکاس وظیفه مباشرت مدیریت یا حسابداری آنها در قبال منابعی است که در اختیار آنها قرار گرفته است. برداشت از مقوله سود بین حسابداران تحلیل گران مالی متفاوت است تحلیل گران مالی عموماً سود خالص گزارش شده (سود حسابداری) را متفاوت از سود واقعی می دانند. یکی از دلایلی که ممکن است تحلیلگران، سود حسابداری گزارش شده را با سود واقعی متفاوت بدانند، این است که احتمال دستکاری سود حسابداری توسط مدیران وجود دارد. از آنجا که تهیه صورت های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری می باشد ممکن است بنا به دلایل مختلف اقدام به مدیریت سود نماید. مدیریت سود چتری برای فعالیت هایی است که به سود حسابداری گزارش شده یا تفسیر آنها اثر می گزارد و شروع آنها از تصمیمات حسابداران است که تا حدی سود اقتصادی نهفته را به واسطه انتخاب رفتار حسابداری و اندازه تعهدات، در زمان تهیه

گزارش های مالی مشخص می کند و پایان آن در فعالیت هایی است که بر تفسیر گزارش های دوره ای اثر می گذارد [16]. اگر بدانیم به چه دلیل مدیریت سود اتفاق می افتد در آن صورت قادر خواهیم بود که آن را کاهش دهیم. برخی از تقلب های حسابداری که در چندین سال اخیر رخ داده است. ما را به سوی شناخت بهتر تغییرات فاحش در صنعت حسابداری و تغییرات گسترده قانونگذاران هدایت می کند. این حوادث قانونگذاران، کارگزاران، دست اندرکاران و دانشگاهیان را بر آن داشته تا برای پاسخ به دلایل این تقلب ها پژوهش نمایند. [17]

### بیان مساله

مسئله اینجاست که محاسبه و مدیریت سود یک امر مجازی، ولی قدرت سیاسی و رفتار سیاسی یک واقعیت است. دیوید موسو (عضو هیئت استانداردهای حسابداری مالی) موضوع را بدین گونه بیان کرده است: قاعده بازی ایجاب می کند که یک فرایند سیاسی به اجرا درآید نام آن را هر چه می خواهید بگذارید آن چیزی جز یک مسابقه قدرت نیست. در این مسابقه موضوع اصلی سود شرکت است و این که چه زمانی باید آن را گزارش کرد [12].

### ادبیات و پیشینه ی پژوهش

#### مدیریت سود و هموارسازی سود

نظریه های مدیریت سود عبارتند از: نظریه چشم داشت، نظریه کارگزاری، نظریه پذیرایی، نظریه حساب شویی، نظریه علامت دهی، نظریه رفتاری، نظریه بازی، نظریه ذی نفعان، نظریه شرکت.

**نظریه چشم داشت:** معتقد است چشم داشت اطلاعاتی فرض می کند که افشاهای حسابداری یک درونه یا بار اطلاعاتی است که علائم فایده مندی را به ذی نفعان را مخابره میکند بنابراین مدیران با آگاهی از این چشم داشت از مدیران سود برای برآوردن اهداف سود مورد انتظار ذی نفعان استفاده می کنند.

**نظریه کارگزاری:** طبق رویکرد سنتی به نظریه کارگزاری، تضاد منافع بالقوه بین سهامداران و مدیران وجود دارد. مدیران می‌کوشند ثروت خود را بیشتر کنند. این ثروت با افزایش، ارزش اختیار نامه‌های سهام یا ارزش سهام، یا کسب موقعیت شغلی بهتر افزایش می‌یابد. تاکید بر سود کوتاه مدت و فدا کردن سود بلند مدت بهترین و کوتاه‌ترین راه افزایش ثروت است. بر این اساس مدیران مشوق لازم را برای مدیریت سود دارند.

**نظریه حساب شویی:** جوردن و کلارک می‌گویند: نظریه حساب شویی یا استحمام قائل به اینکه اگر شرکتی در یک سال سود پایین را تجربه کند ممکن است سود آن سال را با شستن یا استحمام دارایی‌ها (تندیل آنها به هزینه) کاهش دهد. اگر حساب شویی در چهارچوب اصول پذیرفته همگانی باشد مدیران بعد از بابت حساب شویی‌هایی که قبلاً انجام داده‌اند جریمه و توبیخ نمی‌شوند. زاروین معتقد است حساب شویی زمانی رخ می‌دهد که مدیران جدید جایگزین مدیران قبلی می‌شوند و برای اینکه عملکرد خوبی از خود نشان دهند حساب شویی اساسی راه می‌اندازند.

**نظریه پذیرایی:** مدیران با متورم کردن اقلام تعهدی از خوش بینی سرمایه‌گذاران نسبت به سود پذیرایی می‌کنند بر اساس این نظریه سرمایه‌گذاران اشتباهی بسیار زیادی برای سود غافل‌گیر کننده یا سورپرایز نشان می‌دهند و مدیران با متورم کردن اقلام تعهدی از این اشتها پذیرایی می‌کنند.

**نظریه شرکت:** شرکت‌ها تولید کنندگان و گزارشگران اطلاعات حسابداری هستند، طبیعی است اهمیت سود از منظر شرکت بررسی شود. سنگ بنای تمام رویکردها این است که جدایی مالکیت از کنترل را به عنوان وجه مشخصه شرکت‌های سهامی عام به رسمیت می‌شناسند. سهامداران تملک می‌کنند و مدیران کنترل می‌کنند. تضادی بالقوه بین مدیران شرکت و سهامداران وجود دارد و هر دو گروه عقلایی رفتار می‌کنند. در اینجا عقلایی بودن با منفعت طلبی شخصی به معنی فرصت طلبی برابر است. می‌دانیم که چون مدیران و نه مالکان، اکثراً تصمیمات شرکت را می‌گیرند بنابراین تضاد منافع بین دو طرف را بر می‌انگیزد. تصمیمات گرفته شده توسط مدیران لزوماً با خواسته‌ها و آرزو

های سهامداران منطبق نیست. هر طرف برای این که عاقلانه رفتار کنند اقداماتی را انجام می دهد که برای خودش منتفع سود مند باشد، بی آنکه لزوماً نفع طرف دیگر را به حساب آورد. [4]

### هموار سازی سود:

هموار سازی سود به عنوان کاهش آگاهانه نوسانات سطح سود تعریف می شود به گونه ای که سود شرکت عادی بنظر برسد. مدیران به دلایل مختلف سود را هموار می کنند. یکی از اهداف مالی در هموار سازی سود ایجاد یک جریان با ثبات تر به منظور پشتیبانی از سطح سود پرداختنی بالاتر می باشد. جریان سود با ثبات تر می تواند به عنوان ریسک پایین تر درک شود که منجر به قیمت سهام بالاتر و هزینه های استقراض پایین تر می گردد. هدف دیگر هموارسازی سود تمایل مدیریت واحد تجاری برای افزایش قدرت پیش بینی سرمایه گذاران کاهش ریسک شرکت می باشد به دلیل افزایش ثبات سود و کاهش نوسانات آن سرمایه گذاران می توانند پیش بینی دقیق تری از سود آتی داشته باشند. از اهداف دیگر هموار سازی سود که از متون اقتصادی حاصل می شود می توان به ملاحظات هزینه های سیاسی، مالیات قراردادهای بدهی اشاره نمود.

انگیزه های هموار سازی سود (نظیر تغییر در روش های حسابداری، زمان بندی فروش دارایی های ثابت و تغییر در ارقام تعهدی اختیاری) و پیامدهای اقتصادی به طور گسترده در ادبیات مالی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است انگیزه های هموارسازی سود را می توان با سه متغیر که در ادبیات پیامدهای اقتصادی استفاده شده مرتبط. این سه متغیر اندازه شرکت، مالیات بر درآمد و قراردادهای بدهی می باشند. علاوه بر سه متغیر ذکر شده که از ادبیات پیامدهای اقتصادی اقتباس شده است، دو متغیر دیگر نیز که می تواند از جمله انگیزه های هموار سازی سود باشد نوسان پذیری سود و انحراف در فعالیت در فعالیت های عملیاتی می باشد.

**اندازه ی شرکت :** شرکت های بزرگ نسبت به شرکتهای کوچک از نظر سیاسی حساس تر هستند نوسانات مثبت با اهمیت سود در شرکت های بزرگ ممکن است سبب

افزایش تردید در مورد سود انحصاری گردد. به عبارت دیگر، افزایش قابل توجه در سود شرکت های بزرگ ممکن است این شبه را در پدید آورد که این شرکت ها استفاده از قدرت انحصاری خود سود را افزایش داده اند. از سوی دیگر، در شرکت های بزرگ ممکن است سبب نگرانی، نوسانات منفی با اهمیت سود در شرکت های بزرگ ممکن است سبب نگرانی در مورد ورشکستگی احتمالی گردیده و تصویر شرکت را در محیط تجاری که واحد تجاری در آن فعالیت می نماید خراب نماید. هم چنین نوسانات قابل توجه در سود شرکت های بزرگ؛ احتمال ایجاد هزینه های سیاسی ناخواسته نظیر تقاضای افزایش دستمزد توسط کارکنان شرکت، محدودیت های محارکننده توسط دولت را افزایش دهد بنابراین، شرکت های بزرگ انگیزه بیشتری برای هموار کردن سود را دارند.

**مالیات بر درآمد:** در ایران سیستم مالیاتی نقش قابل توجهی در گزارشگری مالی شرکت ها دارد و قوانین مالیاتی عامل مهمی در انتخاب روش روش و رویه های حسابداری می باشد. انگیزه شرکت ها برای هموار کردن سود حداقل نمودن تاثیر مالیات در طول زمان می باشد. از آنجا که سود بیشتر منجر به پرداخت مالیات بیشتر می شود و در واقع سبب خروج نقدینگی، خصوصا در مواقعی که شرکت دارای بدهی های مالیاتی قابل توجهی می باشد، دست به هموار سازی سود بزند.

**قرار دادهای بدهی:** شرکت ها به منظور کاهش ریسک اقدام به هموار سازی سود می نمایند. شرکت هایی که از نسبت بدهی به کل دارایی های بالایی برخوردار می باشند به منظور اطمینان بخشی به اعتبار دهندگان مبنی بر توانایی پرداخت اصل و بهره وام ها و اعتبارات دریافتی اقدام به هموار سازی سود می نمایند. عدم وجود نوسانات قابل توجه در سود این اطمینان را برای اعتبار دهندگان پدید می آورد که واحد تجاری در آینده قادر به پرداخت مطالبات آنان خواهند بود. از آنجایی که ریسک با هموار سازی سود و کاهش نسبت بدهی به کل دارایی ها کاهش می یابد.

**انحراف در فعالیت های عملیاتی:** زمانی که فعالیت های عملیاتی واقعی از فعالیت های عملیاتی مورد انتظار فاصله می گیرد، انگیزه هموار سازی سود افزایش می یابد. هرچه

فعالیت های عملیاتی واقعی از انتظارات استفاده کنندگان انحراف بیشتری داشته باشد، انگیزه بیشتری برای هموار نمودن سود گزارش شده وجود خواهد داشت.

**تغیر پذیری سود:** تغییر پذیری سود با شاخص ریسک بازار مانند بتا (ریسک نظام مند شرکت) و انحراف معیار بازده مرتبط است. نوسانات زیاد در سود می تواند منجر به ارزیابی ریسک بالا گردیده و سبب افت قیمت سهام و افزایش نرخ استقراض توسط شرکت گردد. از طرف دیگر، نوسانات کم در سود می تواند منجر به ارزیابی ریسک پایین و در نتیجه افزایش قیمت سهام و کاهش نرخ استقراض توسط شرکت گردد. (پور حیدری ۱۳۸۵)

از نظر هیلی و والن (۱۹۹۱) مدیریت سود هنگامی رخ می دهد که مدیران از قضاوت های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دست کاری نمایند. این عمل یا به قصد گمراه نمودن برخی از سهام داران و سرمایه گذاران در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت است یا با هدف تاثیر بر نتایج قراردادهایی می باشد که انعقاد آنها منوط به دستیابی به سود مشخصی است. ایتولوی و برتون (۲۰۰۴) با توجه به تحقیقات صورت گرفته در ادبیات حسابداری، در یک طبقه بندی از مدیریت سود آن را به سه طبقه مدیریت سود، هموار سازی سود و گزارش انباشت ارقام منفی به ترتیب با اهداف تاثیر سطوح هر سهم، کاهش پراکندگی سود هر سهم جاری به منظور افزایش سود هر سهم آتی، که در سطوح پایین تر با یکدیگر همپوشانی دارند، تقسیم نمودند. بعلاوه در مطالعات تحقیقات در مورد مدیریت سود ابزارهای زیادی برای مدیریت سود، ذکر شده است بعنوان نمونه مک نیکول (۲۰۰۰) به سه رویکرد برای تحقیقات مدیریت سود، در ادبیات حسابداری اشاره می نماید. اول، تحقیقاتی که بر مبنای مجموع ارقام تعهدی است، که در آن اغلب از مدل جونز استفاده کرده اند. دوم، تحقیقاتی که بر مبنای ارقام تعهدی خاص است و یک یا چند قلم از ارقام تعهدی را بررسی می کند و سومین رو کرد تحقیقاتی بر مبنای توضیح سود ها بعد از مدیریت شدن است که سود هارا در سه آستانه سد صفر، سود سال گذشته و انتظارات تحلیل گران از سود سال جاری به منظور هر گونه شواهد مدیریت سود مورد ارزیابی قرار می دهند.



مطالعات انجام شده توسط عثمان و زگال (۲۰۰۶)، عوامل بالقوه سیاست مدیریت سود در کشور کانادا بعنوان نماینده قاره آمریکا و فرانسه به نمایندگی از قاره اروپا بر حسب سیستم حسابداری آنها را بررسی نمودند. تاثیر خصوصیات اقتصادی اجتماعی هر دو کشور را بر انگیزه های مدیریت سود مور بررسی آنان در یافتند که ایجاد هر کدام از انگیزه های مدیریت سود باعث محیط در ارتباط است. یافته های این پژوهش، نشان می دهد که در شرکت های فرانسوی، مدیریت سود بیشتر به واسطه انگیزه های قرار دادهای بدهی نرخ مالیات موثر انجام می شود این در حالی است که در شرکت های کانادایی انگیزه مدیریت سود مرتبط با بازار های سرمایه پویا است و انتشار سهام قوی ترین انگیزه برای مدیریت سود در این شرکت هاست.

پور حیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان انگیزه هموار سازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انگیزه های اندازه شرکت، مالیات بر درآمد شرکت، نسبت بدهی به کل دارایی، انحراف در فعالیت عملیاتی نوسان پذیری سود را به عنوان انگیزه های مدیران برای هموار سازی سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری بررسی کردند. نتایج حاصل نشان داد که هموارسازی سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری توسط مدیران شرکت های ایرانی صورت می گیرد و مالیات بر درآمد انحراف در فعالیت های عملیاتی محرک های اصلی برای هموار سازی سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری می باشند. همچنین آنها دریافتند، بر خلاف یافته های محققین غربی اندازه شرکت نسبت بدهی به کل دارایی (قراردادهای بدهی) و نوسان پذیری سود به عنوان محرک های هموار سازی سود از اهمیت چندانی برخوردار نمی باشند. [3] مشایخی و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی نقش ارقام تعهدی اختیاری در مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل تعدیل یافته جونز به این نتیجه رسیدند که در شرکت های مورد مطالعه مدیریت سود اعمال شده است در واقع مدیریت این شرکت ها، به هنگام کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات که بیانگر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده است. به منظور جبران این موضوع اقدام به افزایش سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری کرده اند. [7]

## رفتار سیاسی

مدیران ممکن است در سازمانها با استفاده از وسایل غیر موجه برای بدست آوردن نتایجی که از طرف سازمان توجیه نشده است، معنی تحقق هدف های شخصی خود، با متوسل شدن به حربه های غیر اخلاقی ترغیب شوند. در آن صورت رفتار آنان سیاسی خوانده می شود اصولاً دو دیدگاه در مورد این واژه وجود دارد: بعضی ها آن را بسیار ناپسند می شمارند و با حيله و نیرنگ و یا از پشت خنجر زدن مترادف می دانند. اما بعضی ها نیز آن را به عنوان شمشیر دو لبه قلمداد می کنند که یک لبه آن همان بر اساس فلسفه ماکیاوول بنا نهاده شده و لبه دیگر به عنوان هنری خلاق است که منتفع رقیب را با هم آشتی می دهد بعضی افراد باید با هم کنار بیایند و از مواجهه با یکدیگر پرهیزند و با هم همزیستی داشته باشند و سازمان نیز جایی است که در آن افراد به هم ملحق می شوند و با هم کار می کنند چون منافع شخصی آنان تامین می شود

**ظرفیت سیاسی:** توان و علاقه به نشان دادن رفتار سیاسی از خود و اعمال قدرت و نفوذ را ظرفیت سیاسی نامند. برخی بیان می دارند که مجموع قدرت و نفوذ فرد بیانگر ظرفیت سیاسی وی برای اقدام سیاسی است هر چند که سبک قدرت و نفوذ متفاوت اند ولی استفاده از رفتار دیگران هم در قلب سیاسی قرار دارد. استفاده سیاسی از دیگران، می تواند براساس قدرت با نفوذ باشد و در نتیجه منفی یا مثبت خواهد بود. چهار شکل استفاده سیاسی از دیگران، عبارتند از: ایجاد انگیزه، تشویق، ایجاد الزام اخلاقی و سرکوب. در این میان تشویق ملایمترین و سرکوب خشن ترین شکل آنهاست.

**دلایل رفتار سیاسی:** رفتار سیاسی هم از ویژگی خود افراد ناشی میشود مانند فردی که در سازمان نیاز شدیدی به قدرت و آزادی عمل و امنیت و مقام اداری داشته باشد تلاش می کند به رفتار سیاسی متوسل شود و هم از عوامل سازمانی، هنگامی که منابع سازمانی رو به کاهش می رود با زمانی که الگو موجود منابع تغییر باشد به احتمال قوی رفتارهای مشخص سیاسی بروز خواهد کرد بعضی از کارکنان شیوه های مختلفی را در تسخیر

احساسات مدیران و رؤسای خود بکار می‌بندند. از توصیف و خود ستایی و تایید نظر و بله قربان گفتن تا دعوت به شام و سینما و مسافرت و کوه و... کارمندی که با دعوت از رئیس تازه کار خود به ضیافت شام و گرفتن هدیه ای برای او، همسرش را در آن سازمان به استخدام در آورده و به کرات از مزایای مادی متعددی بهره مند می‌شود. نمونه ای از شیوه تسخیر احساسات مدیران است. نتیجه اینکه چنانچه اگر افراد بدون تخصص در تامین خواسته های شخصی خودشان دست به چنین رفتارهایی بزنند بی شک آثار مخربی بر سازمانهای جامعه می‌گزارد و باعث رشد فساد اداری در سازمان شده و روحیه افراد کارآمد به شدت افت پیدا می‌کند. لذا بهتر است مدیران ضمن هوشیاری و با ایجاد ارتباط های آشکار و کاهش عدم اطمینان و درک واقعیتها سیاست و قدرت اثرات رفتارهای سیاسی منفی را محدود نقش مافیا های معاصر را کمرنگ نماید در غیر این صورت شاهد سقوط خود خواهند بود بدون آنکه به علت آن پی ببرند. [1]

رفتارهای سیاسی در سازمان را نمی‌توان از میان برد. مدیری که انتظار داشته باشد کسی دست به این گونه رفتارها بزند. با این نگرش نشانه ای از ساده لوحی خود را به معرض نمایش گذاشته است. ولی مانور های سیاسی را می‌توان و باید کنترل کرد تا در محدودیتی منطقی و سازنده قرار گیرد آبرهام سالزنیك استاد دانشگاه هاروارد چنین بیان می‌دارد: انسان ها می‌توانند توجه خود را تعداد معینی از مسائل واقعی متمرکز سازند، بنابراین هرچه بیشتر بر رفتار های سیاسی متمرکز شوند انرژی احساسی و فکری کمتری از آنان برای پرداخت به مسائل واقعی کار باقی می‌ماند. گفته می‌شود که میزان سیاسی بودن هر فرد به ارزش های فردی، روش های اخلاقی و خلق و خوی او بستگی دارد. اولی ممکن است که به کندی ارتقا یابد و احساس کند که کنار گذاشته شده است، در حالی که دومی ممکن است به خوش خدمتی متهم شود و حیثیت و اعتبار خویش را از دست بدهد. افرادی که در دو نهایت طیف سیاسی قرار می‌گیرند به عنوان افراد ضعیف در تلاش گروهی به شمار می‌آیند به طور معمول میزان متوسطی از رفتار های سیاسی حساب شده به عنوان ابزار ادامه حیات، در سازمان های پیچیده محسوب می‌شود، پس گفتیم رفتار سیاسی در سازمان ها غیر قابل اجتناب بوده و شامل فعالیتهایی است که برای اهداف ویژه

همچون به دست آوردن، توسعه و استفاده از قدرت و سایر منابع که باعث ایجاد برتری شخص می شود انجام می گیرد. برای مدیریت صحیح رفتار های سیاسی در سازمانها بهتر است . [2]

- طوری رفتار گردد که سایرین تصور نکنند انگیزه هایتان سیاسی است هر چند سیاسی نباشند

- استقلال بخشیدن به زیر دستان، مسئولیت پذیری

- دوری از بکار بردن زور

- فراهم کردن شرایط برای اعلام مخالفت به صورت علنی و آشکار

- از فعالیتهای پنهانی پرهیز کنند

رایینز (۱۹۹۱) در یک تقسیم بندی رفتار سیاسی را به دو بعد مشروع و نا مشروع تقسیم کرد. رفتار سیاسی مشروع به رفتاری اطلاق می شود که سیاست های عادی روزانه مثل شکایت از سرپرست، رعایت نکردن سلسله مراتب، تشکیل ائتلاف، سختگیری و زیاده روی در مقررات و در نتیجه عقب انداختن خط و مشی ها و یا تصمیمات سازمان مربوط باشد. رفتار های بی نهایت سیاسی یا نامشروع، رفتارهایی هستند که بر اساس آن مقرران مربوط نقض می شوند که عبارتند از: خرابه کاری و اعتراضات، سمبلیک مثل نپوشیدن لباس کار، و به طور جمعی تمارض کردند و طبقه بندی دیگر توسط فرانس (۱۹۹۰) برای رفتارهای سیاسی دور نمای مثبت و منفی در نظر گرفته شد. نمای منفی آن به وسیله تعقیب بیش از اندازه منافع فردی مشخص می شود و در بر دارنده مواردی هکجون، نیازهای غیر اجتماعی تسلط بر دیگران، تمایل به نگرستن به موقعیتهای حسب برد و باخت - اینکه من برنده می شوم و شما ضرر می کنید - در عوض نگرستن به موقعیتهای بر حسب برد - برد و به کار گیری زیاد تاکتیک های جنگی مثل پنهان کاری، غافل گیری، مخفی کردن دستور جلسات، مضایقه کردن اطلاعات و اغفال دیگران. نمای مثبت سیاست ها به وسیله

تعقیب متعادل منافع فردی مشخص می شود و شامل مشاهده وضعیتها بر حسب برد - برد در گیر حل مساله و روشن سازی اهداف می باشد.

استراتژی های شرکت بر نگرش و رویکرد های اجرایی مدیران تاثیر زیادی خواهد داشت، به طوری که مدیران سیاسی را سیاست زده و مدیران غیر سیاسی نامتمایل به رفتارهای سیاسی را به سمت و سوی سیاسی شدن سوق دهد. رفتارهای سیاسی ممکن است موجبات تسهیل تحقق بعضی از مقاصد، تحقق نیافتن هدف های دیگر تاخیر در تحقق آنها را فراهم آورد، اما به هر حال، درک قواعد و چهار چوب های حاکم بر شکل گیری رفتار های مذکور، امری کاملا حیاتی است. این ادعا درست به نظر می رسد که هیچگونه نگرش مطلق ناظر بر مثبت یا منفی بودن کارکرد های رفتار سیاسی در سازمان صحیح نباشد، زیرا سازنده یا مخرب بودن ابعاد عملی رفتارهای سیاسی در سازمان تابع شرایط، اقتضاها و عوامل فردی و سازمانی است. مدیران با برخورداری از نگرش کارکرد گرایانه سازنده نسبت به رفتارهای سیاسی، می توانند امکان تبدیل اینگونه تهدید هارا به فرصت فراهم سازند. به عبارت دیگر، نگرش مثبت مدیران به مقوله رفتار سیاسی ممکن است در تبدیل نقش های منفی آن رفتارها به سوی سازندگی و بهینه سازی امور سازمانی نقشی کالا کارساز ایفا کند.

شناخت رفتار های سیاسی در سازمان، حاصل کمک علوم سیاسی به رفتار سازمانی است. در دنیای امروز، نمی توان سازمان ها را جدا از رفتار سیاسی درون ان مورد مطالعه قرار داد. تصور اینکه افراد سازمان تنها برای اهداف و مقاصد سازمان گام بر می دارند بسیار خوشبینانه می باشد. البته رفتار های سیاسی بخشی از شرح وظایف رسمی پرسنل در سازمان محسوب نمی شود، اما به دلیل تاثیر آن بر کسب منافع و دفع خطر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. توزیع رفتارهای سیاسی در سطوح مختلف سازمان یکسان نیست، همانان که احتمال رخ دادن آن در تمام مواقع نیز برابر نمی باشد. کسانی که به این سیاسی هامبادرت می رزند آگاهانه به انواع بازی های سیاسی روی می آورند که نقشی در نیل به اهداف سازمانی ندارد. هر چند که امکان حذف چنین رفتارهایی در سازمان وجود ندارد، اما آگاهی از نحوه بروز آنها می تواند مدیران را در کاهش اثرات مخربش یاری دهد مطالبی

که در باب رفتار سیاسی آمده، شاید این ذهنیت را ایجاد کند که رفتار سیاسی در تضاد با منفعت سازمان است و به عنوان تهدید و خطری در جهت فرو پاشی سیستم سازمان تصور شود. در حالی که مراد و مقصود از رفتارهای سیاسی اینگونه که تصور می شود نیست. پس میتوان گفت که رفتار های سیاسی از یک طرف، اهداف سازمان را تحقق می بخشد و از ریف دیگر مانع نیل به اهداف سازمان می باشند. در رفتار سیاسی افراد می کوشند با بروز رفتارهای مثبت و منفی یا به هدف سازمان جامه عمل بپوشانند یا به مخالفت با آن پردازند در این مقاله سعی خواهد شد، سیاست و رفتار سیاسی در سازمان تعریف شده و عواملی که به رفتار سیاسی کمک می کنند، انواع تاکتیک های سیاسی، اشتباهات سیاسی و بالاخره راه های کنترل و غلبه بر رفتار سیاسی در سازمان مورد بررسی قرار گیرد. [6]

به طور کلی رفتارهای سیاسی به دو دسته مشروع و نامشروع تقسیم می شوند. رفتار های سیاسی مشروع یعنی سیاست عادی روزانه که نمونه های آن عبارتند از شکایت کردن به سرپرست یا رئیس، رعایت نکردن سلسله مراتب اختیارات، تشکیل ائتلاف ها سخت گیری افراطی در مقررات از سوی دیگر، رفتار های سیاسی افراطی یا نامشروع آنهایی هستند که قوانین و مقررات را نقض می کنند اصلاح اخلاقی نامیده می شوند، بنابراین اقدامات نامشروع عبارتند از ایجاد اغتشاش و لا ابالیگری به هنگام کار البته بیشتر رفتارهای سیاسی از نوع قانونی و مشروع می باشند. دلایل آن هم بسیار روشن است، چرا که اقدامات نامشروع در حد افراط، خطر از دست دادن شغل را در پی دارد یا افراد و گروه های افراطی مشمول تحریم های شدید می شوند. مهم ترین علل بروز رفتار سیاسی در سازمان عبارتند از: ابهام در هدف، محدودیت در منابع، تغییرات در تکنولوژی و محیط، تصمیمات برنامه ریزی نشده و تغییرات سازمانی. [9]

## عوامل موثر بر رفتارهای سیاسی

عامل موثر بر شکل گیری رفتار سیاسی را به دو دسته عوامل فردی سازمانی تقسیم کرد. عوامل فردی موثر بر شکل گیری رفتار سیاسی عبارتند از خود کنترلی زیاد، کنترل درونی، ریاست طلبی، بکار انداختن سرمایه سازمانی، گزینه های شغلی انتظار موفقیت.

از عوامل سازمانی شکل گیری رفتارهای سیاسی می توان به مواردی همچون تخصیص مجدد منابع، فرصت های ارتقا، اعتماد کم، ابهام در نقش، سیستم ارزیابی عملکرد نامشخص، به میزان ثابت پاداش (به این صورت که اگر به یک نفر داده شود به دیگری داده خواهد شد) یا سیستم پاداش برد و باخت سیستم تصمیم گیری دمکراتیک (مردمی) فشار کار زیاد مدیران خود خواه اشاره کرد.

### **تاکتیک های سیاسی :**

تاکتیک های سیاسی سازمان که اغلب مرد استفاده قرار می گیرند عبارتند از:

کنترل دسترسی به اطلاعات : اطلاعات، خون حیات بخش سازمان است. به طور کلی راه های کنترل اطلاعات موقعیت سازمانی فرد در سازمان عبارتند از: خود داری از ارائه اطلاعاتی که به نظر می رسد خوب نباشد. (مثل تنزیل فروش)، اجتناب از افرادی که اطلاعاتی را از ما می خواهند و ترجیح می دهیم آنها را افشا نکنیم. به شکل کاملاً گزینشی اطلاعاتی را که می خواهیم فاش کنیم. دیگران را با اطلاعات ناقص قانع کنیم.

• تقویت یک تاثیر مطلوب : افرادی که علاقمند به افزایش کنترل سازمانی خود هستند، سعی می کنند یک تصویر خیالی ایجاد کنند تا اثر خوبی روی دیگران بگذارند. این افراد خود را با توفیق هایی که دیگران به دست می آورند مرتبط ساخته و به سادگی توجه دیگران را به خصوصیات مثبت و موقعیت های ساختگی خود جلب می کنند، چنین افرادی را آفتاب پرست های سازمانی می نامند.

توسعه یک پایگاه پشتیبان : برای نفوذ موفقیت آمیز در دیگران، اغلب از پشتیبانی دیگران در سازمان استفاده می شود.

سرزنش و حمله به دیگران : یک تاکتیک رایج سیاسی ، یافتن سپربلاست ، یعنی فرد برای شکست یا کار اشتباهی مرتکب شده است. دیگران را سرزنش کند.

مطرح کردن خویش از طرق سایر افراد قدرتمند : در این حالت فرد ضعیف از طریق برقراری ارتباط با فرد قوی برای خود کسب قدرت می کند.

خشنود سازی دیگران : افراد به تعریف و تمجید بیش از حد دیگران (منتقدین) می پردازند تا وجهه ای مطلوب نزد آنان پیدا کنند. ائتلاف با هم پیمانان قدرتمند در این رفتار افراد یا کارکنان یا مدیران توانمند را در زمینه های متفاوت شناسایی می کنند و با آنان ائتلاف می کنند تا بتوانند به خواسته های خود نایل شوند.

ایجاد الزامات یا تعهدات اخلاقی : گروهی از افراد با انجام اقدامات مختلف کوشش می کنند دیگران را از نظر اخلاقی متعهد سازند، برای مثال با دادن هدیه به نوعی فرد را بدهکار یا مدیون خود می کنند.

### **اشتباهات سیاسی:**

در مسیر اجرای رفتارهای سیاسی ممکن است اشتباهاتی رخ دهد که البته بسیار مخاطره آمیز است و حتی گاهی اوقات ، ممکن است موجبات نابودی بسیاری از راهکارهای سیاسی را فراهم آورد که برخی از آنها عبارتند از :

تعامل و ارتباط با طرف های مغلوب: ارتباط همبستگی با شخصی که قدرتش در حال کاهش است، موجب کاهش قدرت فرد می شد.

نقض سلسله مراتب فرماندهی: برخی از افراد در هنگام بروز مشکل ، سلسله مراتب سازماندهی را نادیده می گیرند برای حل مشکل به جای پیروی از خط مشی های موجود در سازمان و مراجعه به سرپرست ، به مقامات بالاتر از سرپرست مراجعه می کنند.

دمدمی مزاج بودن: خونسردی در شرایط بحرانی نشان دهنده شاخص شجاعت عقل می باشد، به همین دلیل هنگامی که مشکلات بروز می کنند حفظ خونسردی بسیار ضروری



است زیرا عصبانیت و رفتار پرخاشگرانه با دیگران، به نوعی یک خودکشی سیاسی است و می‌تاند موجب ایجاد دشمنی، رقابت، بی‌احترامی، و از دست دادن قدرت شود.

ایجاد تضاد با مدیر ارشد سازمان: معمولاً مدیران ارشد به اختیارات خود بسیار حساس می‌باشند و قدرت خود را برای مجازات و مقام آنها مخالف هستند بکار می‌گیرند به همین دلیل ((نه)) گفتن و عدم همکاری با همکاری با مدیریت ارشد بسیار مخاطره‌انگیز است. [6]

### مدیریت رفتارهای سیاسی

رفتارهای سیاسی در سازمان را نمی‌توان از بین برد. مدیری که انتظار داشته باشد کسی دست به رفتار سیاسی نزند، ساده لوحانه به این مساله می‌اندیشد، ولی مانورهای سازمانی را می‌توان باید کنترل کرد. آبرهام سلزنیچک استاد دانشگاه هاروارد چنین بیان می‌دارد: انسان‌ها می‌توانند توجه خود را روی تعداد معینی از کارها متمرکز کنند، بنابراین هرچه بیشتر بر رفتار سیاسی متمرکز شدند، انرژی احساسی و فکری کمتری از آنان برای پرداخت به مسائل واقعی کار باقی می‌ماند. توصیه‌های عملی برای مدیریت رفتار سیاسی در سازمان عبارتند از:

- مبنایها را در فراگرد ارزیابی روشن سازید

- در پاداش دادن به کسانی که عملکرد عالی یا ضعیف دارند، تمایز قائل شوید.

- از اینکه پاداش به طور مستقیم و بدون واسطه با عملکرد ارتباط داشته باشد، اطمینان حاصل کنید.

- تلاش کنید رقابت میان مدیران برای گرفتن منابع را به حداقل برسانید

- تلاش کنید هدف‌های کوتاه مدت و بلند مدت تامین منابع از خارج از سازمان را جایگزین رقابت برای گرفتن منابع کنید

- در جایی که امپراتوری‌های با قدرتی بسیار منسجم وجود دارد، با برداشتن یا تقسیم خرده‌گروه‌های نا کارآمد آنها را در هم بشکنید.

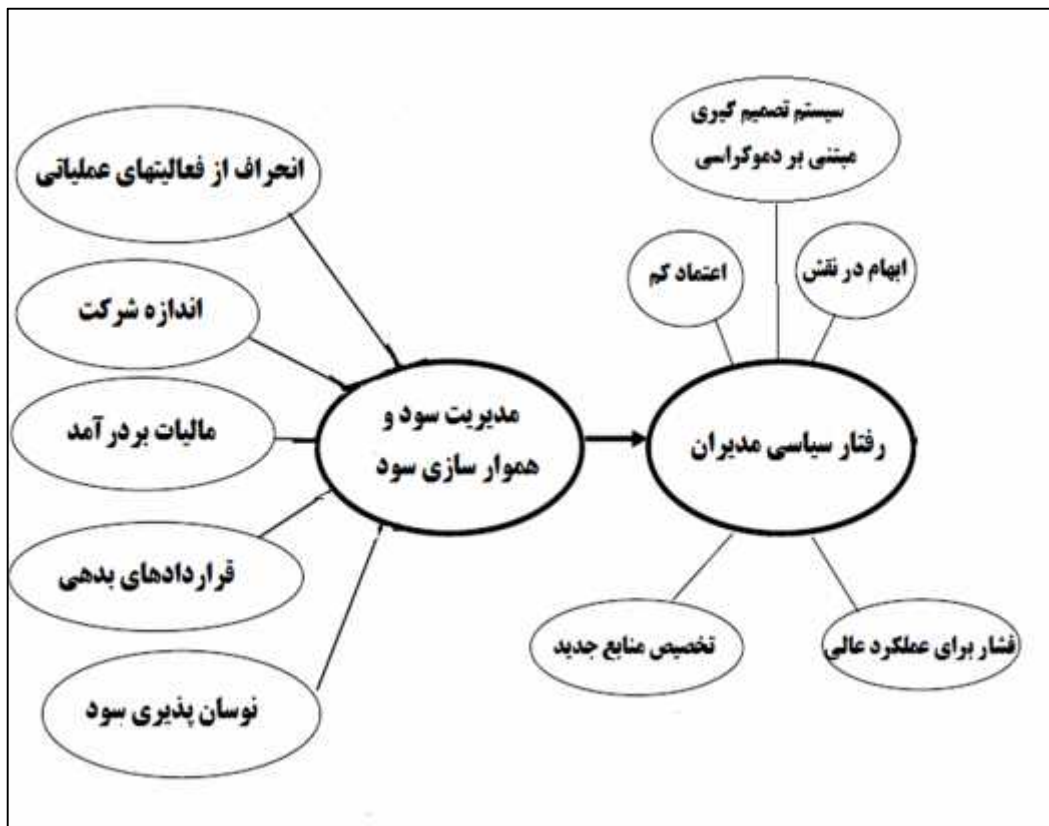
- مهم ترین شاخص ارتقای مدیران را نگرش غیرسیاسی که هدف های سازمانی را بر کسب قدرت فردی او اولویت دهد، قرار دهید.

- اگر مدیر اجرایی هستید، نسبت به مدیرانی که شیوه کار آنها جلب حمایت های سیاسی برای خودشان است، کاملاً حساس باشید نخست به اینگونه افراد اخطار کنید که مانور سیاسی را متوقف سازند، اگر ادامه یافت آنها را از منصب بر کنار کنید و ترجیح آن است که آنان را از سازمان اخراج کنید.

- ارتباطات آشکار یکی از فنون بسیار موثر در محدود کردن رفتار سیاسی است. وجود ارتباطات آشکار مانع از آن می شود که هر نفر به تنهایی بتواند ارتباط را به کنترل خود درآورد.

در نهایت اگر مدیر علت ها فنون رفتار سیاسی را بشناسد، بهتر می تواند اثر آنها را مورد بررسی قرار دهد. اقدام به کنترل دستور جلسه، انجام بازی سیاسی، تغییر تصور های دیگران، کنترل پارامترهای تصمیم گیری و ... از دید ناظر آگاه پوشیده نمی ماند. رفتارها، قدم های مناسبی را برای محدود کردن اثرات آنها بردارد. به طور کلی کلید های مدیریت رفتار سیاسی عبارتند از: ارتباط باز، مدیریت مشارکتی، تعیین انتظارات، تشویق گروه های کاری به همکاری با یکدیگر، روشن و واضح نمودن فرایند تخصیص منابع و مرتبط کردن با عملکرد.

**مدل ترکیبی نقش مدیریت سود و هموار سازی در رفتار سیاسی مدیران**



عوامل موثر بر مدیریت سود و هموارسازی سود از مقاله امید پورحیدری و عباس افلاطونی گرفته شده و عوامل موثر بر رفتار سیاسی مدیران از کتاب علی رضائیان استفاده شده است

### نتیجه گیری :

سیاست از عناصر طبیعی تصمیمات راهبردی مدیران است. تصمیم گیری راهبردی به صورت درگیر شدن در منافع مادی تعریف می شود. این کار مدیران را به جانبداری از یکدیگر و ادار و به سمت کنترل اطلاعات و تشکیل ائتلاف سوق می دهد. سیاست به یک فرآیند تصمیم گیری راهبردی ضعیف ختم می شود و این رفتار سیاسی در جایی که مدیران با مسائل مالی روبرو می شوند ، افزایش یابد. درگیری سازمان های تولیدی با رفتار های سیاسی مدیران ارشد مالی آنها می تواند بر گزارش های مالی ارائه شده از سوی آنها

تاثیر گذارد. برخی مدیران مالی به علت، خود نمایی نزد مدیران ارشد سازمانی، نبود اطلاعات کافی، کینه و عداوت با رؤسا و ویژگی های شخصیتی و رفتاری همچون سیاست، شخصیت چند وجهی و ... اقدام به انتشار اطلاعات غیر واقعی می نماید. این عمل از سویی به لحاظ زمانی و مالی هزینه بر بوده و هم دیدگاهی کاذب را از فعالیت های سازمانهای بزرگ، در جامعه به نمایش می گزارد و از سوی دیگر، روند فعالیتهای خود شرکت نیز، تاثیر گذار است زیرا وجود ارقام ناصحیح و ادامه فعالیت بر اساس آنها سازمانها را به بیراهه کشانده و بعد از گذشت مدت مدیدی، روند نزولی یا صعودی کاذب سازمان، هویدامی گردد. در این مقاله عواملی مانند اندازه شرکت، مالیات بردرآمد، قراردادهای بدهی، انحراف از فعالیتهای عملیاتی، و نوسان پذیری سود، بر مدیریت سود و هموارسازی سود اثر می گذارند و عواملی مانند ابهام در نقش، فشار برای عملکرد عالی، سیستم تصمیم گیری مبتنی بر دموکراسی، اعتماد کم و تخصیص منابع روی رفتار سیاسی اثر می گذارند. که با شناخت عوامل اثر گذار بر مدیریت سود و رفتار سیاسی می تواند تا حدی مدیریت سود و هموار سازی سود توسط مدیران برای کسب قدرت و جایگاه بالاتر را کنترل نمود.

#### منابع اصلی

- [1] ضایان علی، مدیریت رفتار سیاسی در سازمان، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۸۲
- [2] رایبیز استیفن پی، رفتار سازمانی، ترجمه پاریسیان و اعرابی. تهران. دفتر پژوهش فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۷۴۳
- [3] پور حیدری، امید، افلاطونی، عباس، بررسی انگیزه های هموار سازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۸۵، ص ۵۵-۷۰.

- [4] ثقفی ، علی ، پوریا نسب ، امیر ، نظریه ی مدیریت سود ، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی ، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۹، ص ۳۴-۵۳.
- [5] حاجیها ، زهره ، مدل پیش بینی درجه سیاسی بودن مدیران مالی شرکتهای تحت پوشش بورس تهران با استفاده از شاخص های عملکرد مالی، فصلنامه مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج. شماره ۱۲. تابستان ۱۳۸۹.
- [6] سلاجقه ، سنجر ، ناظری ، مژگان ، پژوهش تحلیلی در زمینه مدیریت رفتارهای سیاسی در سازمان ها ، مجله عصر مدیریت، شماره ۱۴، خرداد ۱۳۸۹، ص ۱۰۲-۱۰۵.
- [7] مشایخی ، بیتا، ساسان مهرانی ، نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهار تهران، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی ، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۴، ص ۶۱-۷۴.
- [8] مدرس، احمد و همکاران ، بررسی انگیزه های مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران ، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی ، شماره ۴، زمستان ۸۸، ص ۵۹-۷۸.
- [9] مقیمی .سید محمد ،سازمان و مدیریت رویکردی پژوهشی ،تهران ،انتشارات ترمه ،۱۳۸۵، ص ۴۱۰.
- [10] منوریان .عباس ،علیخانی .فرشاد ،مدیریت سیاسی و تعارض ها ،مجله مدیریت دولتی شماره ۱۳۸۰، ۵۱، ص ۷۴.
- [11] نصر اصفهانی علی ،رفتار سیاسی در سازمان ،مجله تدبیر شماره ۷۵، ۱۳۷۶، ص ۲۴.

[12] هندریکسن ، تئوری حسابداری ، ترجمه علی پارسائیان ، تهران ، نشر ترمه ، چاپ سوم. ۱۳۸۸ .

[13] Nasr Esfahani , A 2003. The approach to organizational behavior and management psychology Third Edition. 453P. .

[14] Nikoomaram , H Rahnama Roodposhti ,F .Heybati ,F.2000. Bases of financial management .Termeh press .Fourth Edition.292p..

[15] parsaiyan ,A and mashhadi Farahani ,AR.1991. Financial management in theory and practice .tereh press. Third edition 476.(Translated in Persi

[16] butler Marty Andrew Leone and Michael Willenborg .(2004). An empirical analysis of auditor reporting and its association with abnormal accruals . journal of Accounting and Economics,37,2(june):139-165

[17] Erikson ,Merle, Michelle Hanlon ,and Edward L. Maydew (2006). Is there a link between executive compensation and accounting fraud ?journal of Accounting Research ,44,1(March):113-114

[18] Healy ,M.and.Wahlen J .M.(1999). A Review of the Earnings Management Literature and Its Implication for Standard setting ,Accounting Horizons ,13:365\_an

## **Role Earnings management and income smoothing in political behavior management**

### **Abstract :**

The border between academic interest due to the complexity and time taken and the various sciences academic merged or complementary has been in the past century, descriptive, analytical knowledge that the financial effects of transactions and events. In today's world of economic entities is to describe and analyze traces of human behavior. Sample preparation and presentation of financial fixed this behavior, political behavior of its managers. Conflict of interest between managers and users outside the organization of financial information is derived from agency theory. Taken by the managers do not comply with the demands and wishes of shareholders. Each party to the wise act to perform actions that are beneficial to its own benefit, without necessarily take into account the interests of other parties. Political behavior where managers are faced with financial problems, mainly reflected, accounting and earnings management problem is that a virtual affair, but political power and political behavior is a reality. It can be expected behaviors reflected by the political directors of the financial information reported.

**Keywords:** earnings management, income smoothing, political behavior, conflicts of interest, representation theory